

انتقاد

تجدد و صداقت برای آینده‌ای عزتمند و دایمی

دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی انتقادی و خبری

ماه نامه تصاعد / سال اول / شماره اول / سنبله ۱۳۹۳

نامه‌ی به شاگردان

سلام شاگردان عزیز!

انشالله که در ادامه‌ی دروس تان موفق و پیروز باشید، گرچه ادامه درس در این شرایطی که شما دارید کمی مشکل به نظرمی رسد اما وقتی همت بار آدم باشد بدون شک در توکل به خدا و همت بلند موفقیت‌ها را رانصیب خواهی شد که باورش راهم نداشته باشید، چون خداوند می‌فرماید:



"وما توفیق الا بالله علیه توکلت والیه انیب" هرچه توفیق را بدست خواهی آورد در توکل به خدا، همت، وتلاش خود نصیب خواهی شد، به تعبیر قرآن که: " لیس للانسان الی ماسعی " برای انسان نتیجه‌ی جزم‌همان سعی وتلاش خودش و جود ندارد .

شاگردان عزیز!

من به حیث کسی که شرایط شمارا گذرانده ام یعنی خودم نیز زمانی مثل شما متعلم بودم و شوروشوق جوانی وگرا یش به روحیه آزادی طلبی و زیر فشار تحمل درس و بحث نرفتن را تجربه کرده ام و نیز چند صبحالی - ده بهاروسیزده زمستان - در قطار معلمین در تربیت نسل امروز خود مشغول بودم ، میدانم که در این شرایط که شما از نرسنی قرار دارید - بویژه دوران ابتدائیه تالیسه - از نظر روحی و عواطف و ظرفیت های نهفته در و جود تان از طرف خداوند وعدم تجربه و درگ همه ا رزشهای که در تعلیم درست و ضرر های که در آموزش نادرست وجود دارد ، دوست دارید که از آزادی بیشتر استفاده کرده ویر خود رنج درگوشه نشستن وکاملاً همدم کتاب شدن را هموار نمی‌کنید، اما من نکاتی را در این نامه به حیث بیگ معلم تذکر میدهم شاید راهنمای کوچکی برای شما باشد:

۱ - در این سن از هر جهت در معرض وسوسه واغوا ی هوای نفس هستیند و روح جوشان شما ایجاب گرویدن به بعضی باورهای رادارد که از نظر دین ، اخلاق و شخصیت برای شما ضرر خواهد داشت ، پس اول به پند خداوند در قرآن دقت کنید که می‌فرماید: " لاتکون کالذین نسوا الله وانساهم انفسهم " مثل آنانی نباشید که خداوند را فراموش کردند و این باعث خود فراموشی

اخلاق

محسن " نیکزاد "



بنام خداوند بخشنده

و مهربان بنام

خداوند خلاق

اخلاق. حضرت پیامبر(ص):

حضرت پیامبر(ص): إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَهُ مَكَارِمُ

لأخلاق. من مبعوث شدم تا به شما یاد بدهم اخلاق را چنانچه قرآن در باره حضرت پیامبر میفرماید: انک لعلی خلق العظیم. اخلاق چیزی است که فطرتاً با فیصدی کم وجود دارد، این انسان است که خودش خلاق اخلاق است که از این خاصیت ندریجا بهره مند میشود و در تکامل سنی این خاصیت که عبارت از اخلاق است بدست می‌آورد البته این خاصیت در انسانهای موجود است که واقعا دارای وجدان بیدار است. اخلاق در اصل تمیز دادن نیکی (خدمت صادقانه و کمک کردن به دیگران) و بد(پایندی، خیانت، حق مردم خوردن و...) است . جامعه‌ای ما از اخلاق چیزی را برداشت کرده است که هیچ پایه و اساس در نظام اخلاقی اسلامی ندارد فقط وقف آنچه که است شیطننت و چاپلوسی است . ما در جامعه‌ای خود شاهد انواع شیطننت ها، فساد های غیر اخلاقی و خیانت های گروه های حاکم در منطقه و... هستیم. ما در یک نظام اجتماعی اسلامی زندگی میکنیم باید حقوق ، قوانین ، عرف و عادات ما بر گرفته از نظام اخلاقی اسلامی باشد نه پیروی از عبودیت شیطناتی، ما وقتیکه نظر می‌اندازیم در جامعه ونظام حکومت داری ودست ادامه در صفحه‌ای سوم

✓ ماهنامه تصاعد منتظر نظریات ، پیشنهادات، انتقادات و مطالب شما است.

✓ مطالب ارسالی شما مسترد نمیگردد.

✓ تصاعد در ویرایش موضوعات دست باز دارد.

✓ مسئولیت هر مقاله به نویسنده آن بر میگردد.

ان الله لا یغیروما بقوم حتی یغیروما بانفسهم

(قرآن کریم)

(خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر بدستان خودشان)

TASAUD monthly magazine / September / 2014

سرمقاله

امروز ما ، در دنیای زندگی می‌کنیم که بشتر از هر چیز به تأمین روابط با هم نوعان خود نیازمندیم ، این روابط هر قدر از ابعداد گسترده تری برخوردار باشد به همان اندازه بر معلومات ما از آنچه که در اطراف ما در دنیای امروز می‌گذرد خواهد افزود ، جامعه‌ی که امروز با دنیای معاصر خویش وصل نباشد و نتواند از جریانات که در محالو زندگی اش بگذرد اطلاع کامل پیدا کند در حقیقت از روند ترقی زندگی امروزی دنیا به عقب خواهد ماند ، آگاهی از برنامه های علمی و فرهنگی ، سیاسی واجتماعی ، دینی و اعتقادی ، اختراعات واكتشافات و دیگرگونی های که در لابلای حرکت آرام زندگی انسانی می‌گذرد عمده ترین ضرورتی است که از لازمه‌ی یگ زندگی امروزی برای فرد فرد انسانها است و واقعیت انسانی که امروز با سستم معلوماتی دنیای امروز وصل نباشد و نتواند که از آنچه در دنیا و یا حداقل محیطی که از نظر وابستگی های ابتدائی مربوط اوست آگاهی داشته باشد انسان امروزی گفته نمی‌شود و باید با جرأت گفت که از کاروان انسانی امروز عقب مانده است .

رسانه ها - تصویری ، صوتی ونوشتاری - عمده ترین عاملی است که امروز توانسته پاسخ گوی این ضرورت انسانی در تمام جهان باشد ، افغانستان ما نیز هر چند در قسمت رسانه نسبت به بقیه کشورهای جهان از سابقه‌ی طولانی برخوردار نیست اما توانسته است که امروز به صورت درست مردم خود را بدنیای امروز وصل کند ، هر چند این برنامه در تمام ولایات به صورت قناعت بخش تطبیق نشده است و ساکنین تمام ولایات کشور از برنامه های رسانه‌ی مستفید نیستند که ولایت غور یکی از آنها است .

مردم ولسوالی لعل و سرچنگل هر چند امروز از طریق شبکه های تلویزیونی در جریان تمام وقایع دنیای امروز است اما خود این ولسوالی با توجه به ظرفیت بالای نفوس وتعداد جوانان تحصیل کرده و قلم بدست که دارد هنوز نتوانسته است که خود صاحب رسانه های تصویری و صوتی گردد هر چند تعدادی چندی ماهنامه و گاه نامه در این اواخردر ولسوالی دست به فعالیت زده اند که امیدوارکننده است .

ما هنامه " تصاعد " که بیان کننده‌ی دیدگاه تعدادی از جوانان و تحصیل کرده گان این ولسوالی است خرسند است که در کنار بقیه ماهنامه ها همکار قلمی دوستانی باشند که به خاطر آوردن فضای برادری و برابری خادم مردم خویش اند ما با اعتقاد به حفظ قوانین کشور به خصوص قوانین رسانه‌ی و احترام به معتقدات و باورهای ملی و مردمی و هنجارهای محیطی مردم خود در تلاش هستیم تا بتوانیم با حفظ روابط سالم ودوستانه با تمام اقشار ساکن در این ولسوالی و ولایت بازتاب دهنده‌ی واقعیت ها و حقیقت های باشیم که انعکاس آنها بادر نظر داشت شرایط و ایجابات سرنوشت مردم ما یگ ضرورت جدی پنداشته می‌شود ، با این باور که نشر مطالب اغواگروفریبنده هرگز به نفع مردم ونسل امروز نخواهد بود به این مهم معتقد هستیم که یگ رسانه زبان گویا وتفسیر گزفرایند های باید باشد که جریان فکری و اعتقادی مردم را به بی راهه می‌کشاند چی بسا باورها واندیشه های که گمراه کننده است در حال که جهل حاکم در جامعه از آن یگ حقیقت مسلم ساخته و چی بسا چهره های که امروز ضرر شان به مراتب بشتر از کسانی است که دیروز بودند و به نحوی بدنام اند .

ما می‌کوشیم با در نظر داشت نیازسنجی زندگی امروز مردم خود مطابق به باورنسل امروز خویش موضع بگیریم ، شما در شماره های بعدی این ماهنامه در کنار مسائل دینی ، علمی ، فرهنگی ، سیاسی در بخش انتقادی شاهد نشر واقعیت ها و حقیقت های خواهی بود که باورکردنش هم برای مردم ما دشوار است ، ما در افشای تزویرها و کتمان ها با ارائه‌ی اسناد مستند از اغفال ها پرده بر خواهیم داشت تا شما بدانید که آن صداهای که از جوان ونسل امروز فریاد می‌زد و یا دیگران را به جنایت متهم می‌کرد خود چگونه بازی گر صحنه های جنای است، به امید آینده‌ی نیک

سید علی آقا " مشفق "

زندگی بدون هدف هیچ ارزش ندارد ، در تمام زندگی با پلان و هدفمندانه حرکت کنید تا ظرفیت امکانت و وقت خود را برای رسیدن به هدف درست تنظیم کرده به نتیجه دلخواه و مثبت برسید .
۶ - از امکانات و داشته های خود درست استفاده کنید و از اصراف کردن در وقت دارایی خود جداً پرهیز کنید زیرا آدم که در وقت داشتن اصراف می‌کند ممکن در وقت نداشتن تحمل نداری را نتواند ، صرفه جوی سبب قناعت و رغنا ی اندوخته های مادی و مالی خواهد شد که از آن در زمینه های دیگر بیشتر و بهتر استفاده کرده می‌توانید .

۷ - درسهای خود را به وقت بخوانید و کار امروزی را به فردانه اندازید زیرا به تجربه دیده ایم که شاگردان که از اول سال درس درست می‌خوانند در وقت امتحان کمتر دچار سراسیمگی و فشار روحی و مغزی هستند اما آنانکه درس را انبار می‌کنند بعداً یا به مشکل یاد می‌گیرند و یا هم موفق نیستند در استفاده درست .

۸ - تکنالوژی در عین حالیکه سهولت است ، در صورت عدم توجه درست گمراه کننده نیز هست ، متوجه استفاده درست از فرهنگ و وسایل وارداتی از دنیای دیگر یعنی جهان اول باشید که بر ما تحمیل می‌شود .

۹- شاگرد خوب کسی است که تربیت درست داشته و امکانات کم با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده اش مصرف کمترو استفاده بهتر کند و این رمز موفقیت افراد با استعداد است (دقت کنید)

۱۰ - احتمالاً شخصیت بزرگ جامعه در ایجاد مختلف خود باثمی و کسب آن بستگی به تلاش بی وقفه دارد که خود را برای آینده‌ی خود وقف کنید ، پس آینده ات به دست خودت است میتوانی آدم باثمی میتوانی به نام آدم بوده ونان آدمها را مصرف کنی ، اختیار باتواست .

شان شد، بناءً اول همیشه متوجه حفظ دین و شخصیت معنوی خود باشید ، باید گفت برتری شما در دین است.

۲ - رفق ، در جهت دهی فکرو شخصیت آدم نهایت موثر است ، چون وقتی فرزند نوح شامل خطاب " انه لیس من ا هلك " قرار می‌گیرد و خداوند به نوح می‌گوید که فرزندان از اهل تو نیست ، باید دانست که او را دوستان ناباب گمراه کرد والا او از نظر خونی فرزند نوح بود ، خداوند که در قیامت و یا در همین دنیا از انتخاب دوستان خود پشیمان شده و بگویم " یا لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً " کاش من فلانی رارفق نمی‌گرفته ، باور کنید که انتخاب دوست خوب سعادت است وعکس آن پشیمانی دارد.

۳ - پدر، مادر ، بزرگان به ویژه معلمین ذخیره های خوبی برای اخذ اندر زها و پند هاستند و شما به اساس عدم تجربه که برگرفته از صغرسن شما هست به آنها نیازمندید ، کوشش کنید از تجارب شان به حیث الگوهای حسنه‌ی اجتماع استفاده ی سالم کنید ونیز به دلایلی که وقت می‌گیرد احترام شان بر شما واجب و لازم است (دقت کنید)

۴ - بی رحم ترین چیز زمان است ، خوش به حال آنها ی که در زندگی ارزش زمان را دانستند و زمان عمر خود را هدر ندادند و بی جاسرف نکردند ، کوشش کنید که از لحظه لحظه زندگی خود استفاده خوب کنید و زمان را رایگان نفروشید و از زمان خود در اندوختن علوم ، تحصیل رزق حلال وتقریح های سالم وسازنده استفاده کنید .

۵ - همیشه دارای پلان باشید وزندگی خود را در ریگ سردرگمی مطلق سپری نکنید زیرا آدم با پلان بهتر به هدف می‌رسد

صبر کن دنیا! من پیاده میشوم

محمد علی فائق " واحدی "

دقیق یادم هست استاد دینی برایمان زمزمه میکرد (ولقد کرما بنی آدم) ولی کجاست؟ آیا واقعا به انسانها ماثبای ای این حرف زیبا احترام گذاشته میشود؟ آیا برای دیگران کرامت گذاشته ایم ؟ اگر بلی کجاست ؟ واگر نه جوابش هویدا ست - عدم تفاهم بین انسانها - تفاهمی که چندین سال پیش مردم بیگانه آنرا از بین ملت افغانستان ربود . تفاهمی که بعد از دوزدی زیر کانه ای آن در افغانستان پشتون وتاجیک و هزاره و ازبک وترکمن و... بوجود آمد وتفاهمی که بعد از رفتنش " من خوب تو ملامت" بوجود آمد وانسانهای سرزمین ما را به وحشت وقهر و بدبختی دعوت کرد طوریکه برادر را واداشت تا برادرش را از بین ببرد، واداشت تا پسر پدر را تمهه ای فقط یک گلوله ای نفرت کند بدون هیچ هراسی از نتیجه ای کارش ! کم معتقم نسل امروز جامعه ای می‌دانسته اند که ما قربانی وحشت وقهر در پروژه ای نیرنگ بیگانگان هستیم و به این هم اعتقاد دارم که از چنین وضعیتی رنج دارند و برایشان ترورها چپاول گری ها عدم اتحاد بین مردم یک غده ای ناراحت کننده است که هر لحظه نا امید ی از فردا را افراز میکند، چون آنها با قلم و کتاب و درس و مشق سروکار دارند ، زیرا آنها میخواهند راهی را دنبال کنند که مردمش نجات یابند. و به این هم باور دارم که میدانند کسانیکه تا هنوز از پشت پرده های بی غیرتی دست دراز میکنند و باعث نفاق در بین مردم میشوند. ولی شیطننت همین دیو سفتان نمیگذارند ما باهم باتیم و از باهم بودن مان رنج میبرند چون دیگر جای خود شان باقی نخواهد ماند، آنها در سطح کشور و منطقه با یک استراتژی مخصوصی نفاق افگنی کار میکنند تا برای همیشه تا زنده اند وجود داشته باشند ، کوشش میکنند طرف و طرفدار بوجود آورند وانهم با بدترین وضعیتش درین صورت جای برای انسانگری باقی نیست و هرکس باید در بین لشکر خودش عرض اندام کند که به هیچ صورت به مفاد هیچ جامعه ای نیست پس بهتر است ازین دنیا پیاده شویم ، محیط این دنیا حبس ومتعفن است. جای برای تعقل گرای وانسانیت ندارد، دوزدی و چپاول ونفاق حاکم سرنوشت مردمان این دنیا شده است ، سالم بودن و صداقت کم رنگ است ، سفره های نورنگی بیشتر میزبان دارد.



از وقتی که خورد بودیم فقط یاد گرفتیم جنگیم، زمان یادمان داده رقابت کنیم اما دور از معرفت، دور از انسانیت ، با توحش ، با قهر فقط یاد گرفتیم بکشیم ، بزنییم ، مثلیکه در یک باغ وحشی هستیم که همیشه برایمان از سفره ای تماشای چیان مان نان بدهند و براییکه لذت ببرند ما را یکجا کنند

و ما هم شروع کنیم به نا بودی همدیگر یا در بازاری بوده ایم که برایمان فقط کینه فروخته اند، بین ما قصه ها گفتند تا از همدیگر فاصله بگیریم برایمان این و آن بودن را خوب تمرین کردند و با جهل وضعف عقلی که داشتیم با تمام وجودمان پنیاری کردیم ، فقط درس دادند که هرکس برای خود وبقای خود باشد و دیگران نیاید با او باشد . کوشیدند تا بین ما نفاق بوجود آورد حتی به ترک دیدن ها ، هرگاه از روی تقدیر هم اگر شده ببینیم با اخم نگاه شان کنیم یا پیشانی های مملو از قهر با چهره ای خشن، چرا؟؟؟ شرایط را کنترل کردند و افسانه های دروغ سرداندند و دورنگی را بعنوان یک اصل بوجود آوردند، طوریکه تا از دروازه منزل (خانه) بیرون شوی همسایه با چشم حقارت بسویت میبیند از قریه ات جای دیگر بروی فلانی های آن قریه به چشم حقارت بسویت میبینند ، این حقیقت برای همه ای ما یک عمل سوء شده، من تنها مخاطبم دیگران نیست خودم هم هستم بخود نیز میگویم چون من هم در همین محیط بزرگ شدم و از آنمهای این محیط یادگرفتم که چطور زندگی کنم اینرا خوبتر تمرین کرده ایم که دیگران را ضعیف کنیم ولی خیلی کم میفهمیم که ب دیگران کمک کنیم خیلی کم شرائط را برایمان باز گذاشته است تا دیگران را نیز مثل خود مان حساب کنیم واتچه را که برایمان خودمان میبینیم برای دیگران نیز روا بداریم. آنچه را که در کتابها خواندم از درس های مکتب یادگرفتم از لکچر اساتید در دانشگاه اموختم کاملاً متفاوت با شرائطی زندگی است که من تجربه کرده ام و میبینم، آنها را فقط در قالب خیال در ذهن دارم نمیبینم هیچ کس مثل خطوط زیبایی که معلم برایم درس گفته است در بین جامعه رفتار کند.

نقدی بر شماره ای اول سیمای معارف

محمد امیر "رفعت"

است ، هیئت تحریر قبلی که مجموعه ی از تمام پرسونل و خانواده ی معارف را احتوا می کرد قاعدتاً مطالب و محتوای بیشتری را میتوانیست که بیرون بدهد در حالیکه هیئت تحریر سیمای معارف محدود

میشود به تعداد حداکثر (۳۰) نفرکه بدون شک برون داد مطالب شان کم خواهد بود وازطرفی تجرید معلمین وسرادارات متوسطه ها وابتدائیه ها وشاگردان بویژه شاگردان دوره های لیسه اعم از اناث وذکورنوعی ستم وظلم بزرگی است درحق استعداد آنها که درحال انکشاف است زیرا ماهنامه ی معارف به منظوراستفاده ازاستعداد معلمین وتجارب شان درجهت بهبود وضعیت تعلیم وتربیه ونمایش دادن توانای های شاگردان به وجود آمده بود نه به خاطرپیوره برداری عده ی محدود که فکرشان نیز ازمجاری معلوم آب میخورد وازطرفی درمکتب میان معلمین افرادی است که ازنظرفکر ، قلم ، تجربه وتوانای به مراتب نسبت به آمرین لیسه ها تواناتر است ، به حاشیه راندن آنها درحقیقت توهین به ظرفیت های موجود درمعارف است (نقدت کنید).

۱۱ – جانب داری : ماهنامه معارف باید ممثل واقعیتهای باشد که ربطی به سیاست وحمایت های یگ جانبه از کسانی نداشته باشد وازطرفی محل تاخت وتاز به حیثیت وعزت دیگران نباشد ، زیرا به اندازه ی کافی مطالب برای نشردراین ماهنامه درمربوطات خود معارف وجود دارد ، خودشان درصفحه اول ماهنامه درصفحه اول درمطالبی که ظاهراً مربوط به سخنرانی سرپرست معارف است نوشته اند " درقدم اول آمریت معارف برای مردم ومراجعین وهمه دست اندرکاران امورشان دهد که معارف یگ نهاد دولتی بوده" اما درتمام موارد ومطالبی نشرشده دفاع یگ جانبه از تیمی وتاختن به حیثیت مجموعه های دیگربه چشم می خورد ، به صورت مثل درصفحه چهارم درمتن تحت عنوان " اخبار" مطالبی را نوشته اند که نشرآنها با یگ ماهنامه ی که رنگ دولتی دارد هرگزسازگارنیست ، تصامیم وکلایا ویدیگاه های شان بدون شک قابل نقد است اما وقتی از طریق ماهنامه ی نشرمی شود دیگر به آن ماهنامه نمی شود نام دولتی گذاشت زیرا یکی از قوانین نشرات دولتی حفظ بی طرفی درروابط است ونیزستایش از افرادی که به نحوی با تیم حاکم درلگوگاه معارف کاسه نیم کاسه دارد تا ازطرفی ستایش شود وبه بهای آن حمایت غیرمنصفانه خودرا ازایشان دریغ نکند خود دلالی است که به بهانه ی دولتی بودن این ماهنامه درمعارف اعمال می شود ، شماردرصفحه سوم هم درمتن که تحت عنوان " ازتظاهرات تا مسدود کردن شاه راه " نوشته شده است نیز می بینیدکه نویسنده صریح از رفتار مقام ولایت انتقاد می کند، این چیزی بدی نیست اما با تذکراین موضوع می شود گفت که " سیمای معارف " زبان خواسته ها ودل گفته های یگ مجموعه خاص است نه معارف ، جریان محتوایندی متن این ماهنامه درتمام صفحات بیان گرایین واقعیته است که مجموعه ی حاکم درمعارف به عنوان بازی گران روی صحنه تطبیق کننده ی برنامه های است که پشت پرده طرح می شود والا از نبود واقعیته ها حقیقت نمپاساختند ، برنامه سواد حیاتی هم برای جهل زدای بسیارمؤثراست اما همه میدانند که تعدادی از کورسهای سواد حیاتی درلعل وسرجنگل فاقد فعالیت به ، صورت نمونه کورس سوادحیاتی درقریه سنگ زرد که جنجالش با عریاض مردمی به خود ولایت رسید .

۱۲ – زگفتن تا به کردن خیلی ندراست : مجموعه مطالبی که به عنوان سخنرانی هادی " احمدی " به نشر رسیده است هرچند به کسانی که درهمان روزاحرازوظیفه بود به درستی معلوم است که همان محتوا را جناب " یوسفی " که کوردناتوراصلی برنامه های فقلی معارف است دراخیرمحتفل به صورت اختصارصیحت کرد یعنی متن سخنرانی سرپرست معارف نوشته ی از آقای یوسفی است نه خود هادی زیرا همه میدانند که هادی احمدی توان صحبت چند دقیقه را آنهم درمجمع عمومی ندارد ، باز هم با تمام موضوع گیری های قبلی تیم اندیشه واعمال بعد از آمرشدن شان کاملاً درتضاد است ، عمده ترین حرفهای سرپرست معارف دراین نوشته خان جملات ذیل است که اکثرأ درتضاد با اعمال شان است :

آنها " انفکاک ومجازات " را یگ لازمه میدانند ،درحالیکه خود شان به خاطرانفکاک شان درطول یگ سال است که در بدرمی گردند ، میگویند " معارف یگ نهاد دولتی برای خدمت به تمام مردم است نه یگ نهاد حزبی ، قومی ویا گروهی " ، درحالیکه فعلاً درتلاش جابجای مهره های خودشان درسطوح مختلف معارف است ، آنها " معارف را جای اعمال کارهای حزبی وسیاسی وکامپاین انتخاباتی نمیدانند" درحالیکه تبدیلات ناهنگام که درمدت کوتاه حاکمیت شان انجام داده اند بیان حرص به تیم بازی وطرف گرای است ، به رعایت " حقوق وامتیازات دیگران " خودرا پایبند نشان میدهند درحالیکه امتیازات تعداد زیادی از شب باش ها وحق الزحمه ها ی که درجدول اصلی است را مطابق به نورم از قبل تعیین شده پرداخت نکرده اند ، و" توهین کردن به معلم واجیر " را اجازه نمیدهند ، زیرا " اگرپرسنل معارف ازآمریت معارف با احساس حقارت وعقدہ مندی وتشویش ونگرانی به طرف مکتب رفت هیچ انگیزه ی برای تدریس مضامین وخدمت به اولاد مردم ندارند " درحالیکه معلمین حق الزحمه که قبلاً درمکتب تعیین شده بود ومدتی هم انجام وظیفه کرده بود را به دلیل این که وابسته تباری ویا تیمی است از وظیفه خلع ودوستان خیاط خود را دریل نیم برج انجام وظیفه سه ماه معاش درنظمی گیرند ، آنها " چهره ی خوبی از معارف لعل برای مقامات بالا ارائه می کنند " و " هرونوع استکاک بین معارف وادارات دولتی را به ضررمعارف دانسته وتمام فعالیت های خودرا درهماهنگی با مقام ولسوالی عیاری می سازند " درحالیکه میانه این تیم با ولسوال قبلی "اسماعیل رضای " درمصاحبه که انجام داده بود کاملاً مشهودبود وازاین حرفها که برای تمام مردم لعل وسرجنگل فعلاً واضح شده که جناب یوسفی که آمراصلی معارف است چگونه با باورهای خام واحساسات پاک نسل جوان بازی میکند ، خودشما قضاوت کنید

ولسوالی لعل وسرجنگل " اما منظورما این است که عنوان این ماهنامه باید جمله ی انتخاب می شد که فقط باخوانش خودش به منظور ایجاد این ماهنامه پی برده می شد ، کسانیکه از عنوان بندی های ادبی سردرمی آورند به این مطلب من کاملاً پی خواهد برد.

۶ - عدم مسئولیت پذیری : مهم ترین قانون که درتمام نوشته ها و رسانه ها رعایت می شود تذکر اسم نویسنده است که بارعبایت این قانون بخاطر حسن وقیح محتوای یگ متن مسئولیت آن را نویسنده مطلب شخصاً به عهده می گیرد ، رعایت این اصل باعث می شود تا واقعیته ها به صورت مسئولانه وبدوراز هرگونه تخلف نویسنده گی وبا تعرض بدون دلیل به کس وبآوری انعکاس پیدا کند ، شما وقتی عناوین (امنیت نیاز همه فعالیت ها ،برنامه سواد آموزی ، ازتظاهرات تا مسدود کردن شاه راه واخبار) رامطالعه می کنید می بینیدکه مسئولیت هیچکدام ازمطالب متذکره را کسی به عهده نگرفته است ، این قضیه میتواند به یکی ازچند علت وابسته باشد یا ماهنامه " سیمای معارف " نویسنده ی بیشترآریگ نفرندارد ، یا نویسنده های این مطالب به دلیل نفهمی ویاعمدأ نخواستہ که مسئولیت مطالب را به عهده بگیرد که درهررو صورت قابل انتقاد است ویا مدیرمسئول وسردبیر با مسایل رسانه ی کمترآشنای دارد که متوجه این موضوع نشده است.

۷ - سردبیر : ما با تذکراسم برادرمحترم قاسم " مرزای " بحیث سردبیرماهنامه " سیمای معارف " مخالفت نداریم وبه شخصیت شان کاملاً احترام داشته به حیث یکی از اعضای معارف برای ما قابل قدراست ، تمام کسانیکه با قوانین رسانه ی آشنای دارند میدانند که سردبیریگ ماهنامه بایدکسی باشد که سابقه کاردررسانه ها را داشته ویا متونی را نوشته واثری نوشتاری ازوی درجامعه به نشررسیده باشد ویا با حداقل مسائیل نوشته ورسانه بازی آشنای داشته باشد ، عدم لیاقت سردبیرماهنامه " سیمای معارف " از نواقص فراوانی که دراین شماره دیده می شود به وضاحت دیده می شود زیرا اگر وی توانای اداره یگ ماهنامه ی به این اهمیت را میداشتی حد اقل نمی گذاشت که تکرراشتباهات دراولین شماره باعث زیرسوال رفتن این ماهنامه گردد، چی میدانیم شاید هم ازشخصیت شان فقط نامی درمیان باشد وخود اصلاً ازجریان قضایا خبری نداشته باشد وازطرفی به عنوان ثبوت ادعای مان که حالت حسادت را نداشته باشد ادعا می کنیم که سردبیراین ماهنامه اگر توانیست یگ پاراگراف متن راتحریرکردکه خالی ازاشکالات ادبی باشد ما حاضر به معذرت خواهی ازوی هستیم ، بناءً سمبولیک بودن شخصیت های که این ماهنامه را اداره می کند یکی از نقاط بزرگ موجودیت ضعف دراین ماهنامه است.

۹ – مشکلات ادبی : وقتی کسی موهای خودرا اصلاح نکندولباسهای خودرا متناسب با سن وسال وجنسیت خود نپوشد هرقدرزیباباشد هم مورد نفرت وانزجاردیگران قرارمی گیرد ، رعایت قواعدقوانین ادبی دریگ متن به صورت مثال ازاین نوع است ، درماهنامه " سیمای معارف " کسانیکه ازاصول ادبی وقواعد نوشتاری سری درمی آورند می بینند که اشکالات ادبی فراوانی دیده می شود بطورمثال : درآغازهرپاراگراف ازنظرادبی قاعده این است که باید یگ سانتی نوشته به داخل صفحه از بقیه سطور آغاز شود ، شاید این انتقاد برای بعضی ها اقتدراهمیت نداشته باشد اما وقتی حرف از معارف است یعنی حرف ازادبیات وقلم وقوانین آن است ، وقتی ادبیات درمعارف که تعلیم دهنده ی آن است رعایت نشود پس ازدیگران چی انتظارخواهد رفت ، درمتون ادبی وقتی جمله یامتنی که ازاهمیت زیاد برخوردار باشد وانعکاس دهنده ی موضوع مهمی باشد آن را به خط درشت وخوانا وویا کشیدن خط درزیرآن برجسته می سازند درحالیکه خود همان جمله یا پاراگراف به صورت عادی نیز درداخل مطالب تکرارمی شود اما این قاعده در ماهنامه ی " سیمای معارف " فقط با کشیدن خطی درزیرچند سطر ی تذکر داده شده است وبس که باز هم با قاعده ی ادبی ناسازگار است ، درصفحه چهارم (نگاه گذرا به معارف لعل وسرجنگل) نوشته شده است که " امروزلعل وسرجنگل که تقریباً حدود(۲۰۰۰۰)نفرنفوس دارد" درحالیکه برای ارائه ی کمیت انسانی تذکرهمان کلمه نفوس ویا نفرهرکدام به تنهای کفایت می کند این موضوع بیان گر بی اطلاع بودن نویسنده ی مطلب ازروش آمارنویسی است وهمچنان تذکر(۳۵۰۰۰)شاگرد که بارانه ی معلومات دقیق معارف ناسازگاراست زیرا به اساس معلومات دقیق تعداد شاگردان لعل وسرجنگل از (۳۲۰۰۰)بشترنیست ، معلومات غیر دقیق دادن بیانگر بی اطلاعی مسئول بخش از مسئولیت است.

۸ - پیام تسلیت : معمول است وقتیکه پیامی تیریک ویاتسلیتی ازطرف کسی نشرشود دراخیرهمان متن اسم شخصی که آن پیام را فرستاده ویانوشته باشد تذکر داده می شود واگریگ پیام ازطرف یگ نهاد ، ارگان ویامجموعه ی صادرمی شود دیگرتذکراسم فردی دراخیرآن با قواعدقوانین نوشتاری نامأنوس است ، آمرمعارف اززیرمجموعه های آمریت معارف وعضوی ازتشکیلات معارف است ، وقتی نوشته می شود که " پیام تسلیت آمریت معارف" کفایت می کند دیگر لازم نیست که دراخیرآن ضرورت به تذکراسم فردی احساس شود واگرقراراست که نام کسی دراخیرآن تذکر داده شود باید دراول آن هم نوشته شود که " پیام تسلیت آمرمعارف " نه آمریت معارف ، شاید دلیل کارهمان استفاده ی تبلیغی از موضوع به خاطربالا بردن پرسیج کسی باشد که برای معرفی بیشتربه این گونه مسائیل نیازدارد

۱۰ – هیئت تحریر : در " ماهنامه ی معارف لعل وسرجنگل " که قبل از ماهنامه ی "سیمای معارف " به نشر رسید ، هیئت تحریرآن اعضای نظارت تعلیمی ، معلمین وشاگردان معارف بود ، درحالیکه درماهنامه " سیمای معارف " هیئت تحریرفقط محدود می شود به اعضای نظارت وامرین لیسه ها ، تفاوت این نوع انتخاب زمین تا آسمان محسوس

دردنیای امروز رسانه ها وسیله خوبی برای پیام رسانی وتبادل نظریات ، تجارب وانوخته های انسانی درمیان انسانها است ومیشود گفت که حتی زندگی بدورازارتباط با رسانه ها برای انسانهای این عصرناممکن شده است ، رسانه های صوتی ، تصویری وتحریری درعصرامروزبا مؤثریت که درایجاد پیوند میان انسان ها دارد به یگ نیاز اولیه انسانی تبدیل شده است . ولسوالی لعل وسرجنگل طی سالیان اخیرشاهد فعالیت های رسانه های تحریری زیادی بوده است که نتیجه تلاش جوانان خود این ولسوالی بوده است مثل ماهنامه علم وعمل ، ماهنامه اندیشه وبعضاً گاهنامه های که به صورت مقطعی نشرمی شد وانعکاس دهنده واقعیته ها و خواسته های تعدادی از نسل امروز بوده وهست ، فعالیت این رسانه ها دررشد فکری وخلق فضای خود باوری میان مردم به ویژه جوانان لعل وسرجنگل راه امید واری است وهرچه ازنظرمحتواوبربار تر باشد مؤثریت شان بیشترخواهد بود . درپهارسال ۱۳۹۳ماهنامه دیگری تحت عنوان " ماهنامه معارف لعل وسرجنگل " از طرف آمریت معارف لعل وسرجنگل به ابتکار سید علی آقا " مشفق " آمرمعارف آنوقت وهمکارانش نیزدرکنارماهنامه های دیگربه فعالیت آغاز نمود که از نظرمحتوای برای بیان خواسته ها ، فعالیت ها ، کمیت وکیفیت معارف شکل گرفته بود و دریچه جدیدی در ساختارمعارف لعل باز کرده بود ، این ماهنامه قراربودکه تنها انعکاس دهنده واقعیته ها ی باشد که دراطراف معارف می گذرد ، بعد از تبدیلی مشفق ازآمریت معارف وآمدن هادی " احمدی " وتیم همکارش بخاطرکه مورد نقد افراد منصف جامعه قرار نگیرند ازتمام طرح ها وابتکارات که قبلاً برای سلامت یگ معارف مورد نیاز جامعه پی ریزی شده بود به ادامه ی این کاردست زدند اما دراین ماهنامه – سیمای معارف – مشکلات ونواقصی فراوانی دیده می شود که رفع آنها بخاطرحفظ حیثیت معارف ضروری پنداشته می شود ، ما از نه سر حسادت بلکه به دلیل اینکه " دوست آن است که عیب دوست را همچو آینه روبرو گوید " مواردی دراین ماهنامه دیدیم که تذکر آن ضروری است زیرا ماهنامه که به صفت زبان معارف انعکاس دهنده ی خواسته های قشر با سواد جامعه است باید شایسته ی شان معارف باشد ، هرچند ما درتمام بخش های این ماهنامه مشکلات فراوانی را شاهد هستیم اما به تذکرچند جمله ی ازنواقص تخنیکی ، ادبی ، محتوای وهدفی که این ماهنامه به صورت آگاهانه ویا ناخودآگاه دنبال می کند بسنده می کنیم.

۱ - تصاویربالای صفحات : درتمام رسانه ها وقتی تصویری را درمتن یگ ماهنامه وهفته نامه ومجله جابجا می سازد ، انتخاب آن تصویر درتناسب با محتوای است که بصورت نوشته درمتن آمده است ویا حداقل درانطباق پذیری با ایام ورویدادهای است که درآن ماه گذشته باشد ، درماهنامه " سیمای معارف " تصاویری که درصفحات دوم وسوم انتخاب شده است درپیوند با هیچ کدام از متون تحریرشده درماهنامه نیست ومتناسب با کدام روزوواقععه که دراین ماه اتفاق افتاده باشد هم نیست ، بناءً چیزی به جزپرکردن صفحات را نمی تواند منعکس کند ، شاید بگویند که این تصاویرازصنوف وشاگردان معارف است اما باید پیش ترازاین قول ، دلیل تخنیکی آنرا نیزدرنظمی گرفتند .

۲ - جدول وکالم : از نظر قانون ماهنامه نگاری ویا شکل بخشی به یگ رسانه تحریری ، باید هر متن که درتسلسل باهم نوشته شده باشد داخل چوکات مشخصی تحریر گردد که رعایت این قانون هم می تواند به زیبای ودیدنار متن کمک کند وهم ساختار کلی یگ متن را از دیگر متون مندرج رسانه جدا سازد ، این قانون درماهنامه " سیمای معارف " اصلاً رعایت نشده که ازدوحوالت بیرون نمیتواند باشد ، یاترتیب دهنده ی ماهنامه با قواعد دیدزاین یگ رسانه – حد اقل ابتدائی – ناآشنا است ویا با تعدد که دراین کارداشته بی توجهی خود نسبت به ارزش این کار را به نمایش گذاشته که درهررو صورت این کار با روحیه ماهنامه که نام معارف را یگ می کشد سازگارنیست ، عدم رعایت جدول وکالم (ستون) را شما درتمام صفحات مشاهده می کنید ، وقتی شما متن که اززبان آمرنظرات تعلیمی نشرشده است را می بینید حالت وشکل متن بشتر به یگ صفحه کتاب یا نامه دوستانه شبه است تا یگ متن که دریگ رسانه نشرشود زیرا حجم مطالب ایجاب این را دارد که در سه ویحداقل دوستون (کالم) تحریر شود ونیز متن سخنرانی هادی احمدی سرپرست آمریت معارف دارای این نقیصه است

۳ - عدم همنوایی خطوط : همنوای خطوط یگ متن درنوشته ها – چه رسانه ومتن عادی – یکی ازاصولی است که رعایت آن حتمی بوده وگنشته ازاینکه به زیبای مطلب می افزاید به خواننده کمک می کند تا بفهمد که دراین متن عنوان کدام است ومتن کدام ویاهم متن که تحریریاافته است یگ متن رسانه ی است ویاطلاعیه ، این ناهماهنگی بین خطوط را شماردرصفحه دوم ماهنامه بین متون " برنامه سواد حیاتی " و " پیام تسلیت ... " ودرصفحه چهارم بین متون " نگاه گذرا به معارف لعل وسرجنگل " و " اخبار " به وضاحت می توانید ببینید ، که هرکدام از متون به یگ فونت جدا گانه نوشته شده واین ناهم خوانی بین دیدزاین درمتن دریگ صفحه زیبای مطالب مندرج دریگ صفحه را ناخوش آیند ساخته است.

۴ - شماره دوم : درماهنامه " سیمای معارف " نوشته اند که (شماره دوم) درحالیکه این نام – سیمای معارف -برای باراول است که بیرون داده شده است واگرهدف مسئولین این ماهنامه تداول شماره اول " ماهنامه معارف لعل وسرجنگل " است پس چرا نامش را " سیمای معارف گذاشته اند یعنی نفس تذکر شماره دوم ایجاب این را دارد که نام همان نام قبلی باشد تا بتوان گفت که این بارشماره دوم است ویا هم برای تغییر اسم این ماهنامه دلایل شان را نیز تحریر می کردند که به چی منظوری اسم این ماهنامه از شماره اول تا شماره دوم تغییرکرده است

۵ - نام ماهنامه : جمله ی " سیمای معارف " یگ جمله عام است که دربرگیرنده ی ساختارکلی معارف است وشاید بتوان گفت که این اسم به تمام معارف برمی گردد نه تنها معارف لعل وسرجنگل درحالیکه این ماهنامه باید محدود به تشکیلات وساحه کارمعارف لعل وسرجنگل باشد ، شاید بگویند که درزیرعنوان به خط خوانانوشته شده که " ارگان نشراتی معارف

جوانان غیور، نیرومند ، با استعداد وسربلند لعل وسرجنگل! در عصر تکنالوژی امروزی در رابطه به مسائیل سیاسی حاکم در منطقه و عملکرد دولت بی اندیشید و اندکی عمیق تر فکر کنید. در قدم اول در راه کسب علم ومعرفت همیشه پروانه وار پرواز نمایند ودر راه آینده وفردای وطن عزیز تان بخصوص ولسوالی لعل وسرجنگل دارای هدف روشن وانگیزه خاص پیشرفت باشیید ویا مفکوره جوان تان حرکت کنید تا بهتر از شرائط کنونی توسط علم ومعرفت وقلم تان این سرزمین را شگوف سازید. در قدم دوم : جوانان عزیز وقابل قدر لعل وسرجنگل سیاست مداران از حد گذشته افراد قدرتمند ضد خاک ما در شرائط فعلی سر نویشت ما را بجالش کشانده ومیخواهند منافع کلی مردم عزیز مارا قربانی اهداف شخصی خود شان بسازد، ما وشما نباید خاموش ننشسته وتماشای شان کنیم وظیفه داریم هوشیارانه دست همچو مسائیل سیاسی را گرفته و آنها را وادار نمایم تا مسائل کلی. ما را نیز در نظر داشته باشند، اگر به شکل فعلی این شرائط دوام

پیام ویژه به جوانان لعل وسرجنگل



محمدعلی "رامتی"



اولین جلسه مشورتي کتابخانه عمومي لعل وسرجنگل

حبيب "ابراهيمي"

روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۵ در ساختمان ولسوالی لعل وسرجنگل جلسه ی با کارمندان ولسوالی ، چند تن از کارمندان موسیسه محترم (آی ایم) تعدادی از آمرین لیسه ها ، معلمین و متعلمین اعم از اناث و ذکور به هدف ارزیابی دوره امتحانی یک ساله ی این کتابخانه که به بودیجه ۵۰۰۰۰ دالار امریکای در سال ۱۳۹۲ از طرف موسیسه ی محترم (آی ایم) بخاطر ارتقای ظرفیت فرهنگ کتاب خوانی در لعل تأسیس شده بود برگزار گردید .

در این مجلس که با تلاوت قرآن کریم به صدای محترم غلام عباس انصاری از مدرسین محترم مدرسه ثامن الانمه آغاز شد آقای قاسمی آمرانیه ولسوالی از اشتراک کننده های در این مجلس ابراز تشکر کرده و به تعقیب آن محترم حیدر " شریفی " از کارمندان ولسوالی که به حیث مسئول کتابخانه از سال گذشته به این سو اجرای وظیفه ی رضاکارانه می کند به تشریح کارکرد های این کتابخانه پرداخته و گفت : " این کتابخانه که از سال ۱۳۹۲ به این سو در خود ولسوالی فعالیت دارد تا هنوز تعداد ۳۱۴ نفر اعضا را به خود جلب کرده است که تعداد ۷۰ نفر آن را خواهران تشکیل میدهند ، اما به دلیل نبود جای مناسب و کمی امکانات نمی تواند که پاسخ گوی نیاز های مراجعه کننده گان باشد ، وی از موسیسه ی محترم همکار تقاضا کرد که اگر توان داشته باشد در زمینه خریداری کتاب ، میز و چوک و وسایل برقی با کتابخانه همکاری نماید که به جواب تقاضای مسئول محترم کتابخانه آقای " مارک " از کارمندان موسیسه گفت " ما در سال گذشته این کتابخانه را به صورت امتحانی و به حیث یک نهال تازه در این ولسوالی غرس کردیم ، امسال پس از گذراندن دوره ی امتحانی میتوانیم مبلغ ۳۰۰۰۰ دالار امریکای بخاطر خریداری کتاب به این کتابخانه همکاری کنیم و در آینده با توجه به امکانات که در این زمینه موسیسه دارد بخاطر بالا رفتن ظرفیت این کتابخانه همکاری خواهی نمود .

سید علی آقا " مشفق " آمرلیسه ذکور بیخسنگ و سردبیر ماهنامه " تصاعد " که در این مجلس دعوت شده بود نیز ضمن ابراز تشکر از مسئول کتابخانه و حاضرین جلسه گفت " موسیسه محترم آی ایم در زمینه های متعدد با مردم ما همکاری خوبی بوده است که خدمات شان در بخش صحت با فعالیت کلینک مرکز وکلینیک های فرعی در اطراف ولسوالی ، ساخت و ساز های شان در قسمت اعمار سرک ، چاه و چشمه آب و غیره فراموش ناشدنی است ، این



طولانی ترین و پیر پالاش ترین انتخابات چه وقت نتیجه خواهد داد؟

باقر مبلع پور

انتخابات گذشته افغانستان از اهمیت خاصی بر خوردار است زیرا دموکراسی نوپای که افغانستان در حال تجربه ای آنست با عبور موفقیت آمیز از این انتخابات اندکی به پخته گی و بلوغ خود میرسد ، اما متأسفانه که این انتخابات با چالش های زیاد بر خورد نمود ، تقلب گسترده و سازماندهی شده صورت گرفت و سبب شد که به کدام نتیجه که می رود پذیرش جوانب دخیل باشد، نرسد و کشور به یک خلاء قدرت و یک بن بست سیاسی مواجه شود ، این انتخابات طولانی ترین انتخابات دنیا بوده و در حقیقت رکورد جهانی را در بر گرفت ، در این مدت ملت افغانستان بسیار رنج ها و مشقتی ها را متقبل شد تا به یک حکومت مشروع ، قاطع و همه جانبه دست یابد که متأسفانه نشد و با گذشت هر روز وضع خرابتر و بد تر شد ، در هر دو دور انتخابات



تقلب وسیع و گوسفندی صورت گرفت نهاد های انتخاباتی

بدلیل دست داشتن در تقلبات استقلالیت و جایگاه خود را از دست دادند و اعتماد همه ملت افغانستان و کشور های دخیل در سیاست افغانستان از این نهاد ها سلب شد و دو طرف بن بست به وجود آمد (تیم تحول و تداوم و تیم اصلاحات و همگرایی) موضع های کاملاً متفاوت را اختیار نموده و هر کدام خود را برنده ای انتخابات میخوانند. وساطت های زیاد چه داخلی و چه خارجی صورت گرفت یان کوبیش نماینده ملل متحد در افغانستان بطور شبانه روزی تلاش نمود، آقای اوباما رئیس



جمهور آمریکا چند بار همراهی رهبران هردو تیم تماسهای تلفنی داشت ، جانکری وزیر خارجه آمریکا دو بار به افغانستان سفر کرد و با وساطت وی هردو جانب به یک توافق رسید و متن تشکیل حکومت وحدت و مشارکت ملی را امضا نمود و برای مردم یک خوشبینی ایجاد شد. اما بعد از ۵۰ روز نشست ها و بحث ها هردو جانب به کدام توافق نرسید و بر سر تقسیم قدرت با هم اختلافات زیاد داشتند و سخنگویان هردو تیم هر روز

مردم مصدوم شده و طالبان و دشمنان مردم افغانستان با گذشت هر روز جسور تر شده حملات خود را گسترش میدهد حملات بی پیشینه اینها در پکتیکا ، بدخشان ، فاریاب ، غور و غزنی که منجر به شهید شدن صد ها تن نظامی و غیر نظامی شد و میلیون ها دالر خسارت وارد نمود و در غزنی (مرکز تمدن ثقافت اسلامی ۵۲ کشور اسلامی جهان) دوازده هزار جلد کتاب دینی و اسلامی حریق و نابود شد ، تجاوز جنسی گروهی که در ولسوالی پغمان کابل صورت گرفت تاریخ معاصر افغانستان را لکه دار ساخت این همه نشان دهنده اینست که طالبان سخت از این وضعیت استفاده میکنند و میخواهند جغرافیای مشخص را بدست آورد تا در زمان جنگ از آن بعنوان مرکز تعلیم و تربیه و در زمان گفتگو بعنوان یک پایگاه و یک آدرس استفاده نمایند. ارگ ریاست جمهوری که خود یک ضلع مثلث از تقلب شماره شده میشود ظاهراً خواهان هیچ کدام از این تیم ها نبوده بلکه خواهان یک حکومت موقت میباشد و نظارت گری مرغ جنگی که به وجود آورده میباشد، و میخواهد که این بن بست ادامه یابد تا زمانیکه دوجانب قضیه ملت افغانستان و جامعه جهانی خسته شده و با تشریفات تمام از آقای ریس جمهور و معاونینش بخواهد که اداره موقت را تشکیل بدهد.

اخلاق

ادامه ای ضحفه اول

دست اندازی گروه های حاکم منطقه در نظام کاملاً مایوس کننده و نا امید کننده است از بالاترین پوست آن آغوشته به فساد است و جامعه ای ما یک جامعه ای اسلامی و تشییعی است فساد اخلاقی به اوج اعظمی خود رسیده است. اما متأسفانه هیچ فرد و یا گروهی نیست که نقطه ای پایانی را بیابد که آن نقطه پایانی این همه فساد های اخلاقی ، اجتماعی نظام حکومت داری باشد. افراد ذیصلاح که پینگ تراوزو را پابین میرود و گروه های که در جامعه ما وجود دارد تنهایی اشخاص تعریف شده نشان خورده توجه میکند نه برای اشخاص که لیاقت دارد و میتواند مصدر خدمت به جامعه ای عقب مانده ای ما باشد. باید متذکر شد که این گروه ها از افراد استفاده میکنند که لیاقت هیچ نوع کار را ندارد این افراد را بخاطر جذب میکنند که به اسرع ترین وقت آله ای دست شان قرار میگیرد و بی غیرت ترین انسان آن است که آله میشود و به دیگران اجازه میدهد که استفاده بهینه را ببرد و افراد که با استعداد ، با لیاقت و موشکاف هستند هیچ وقت زیر بار ذلت نمیروند و دوست ندارند که افراد بی خبر از نظام اخلاقی اسلامی از او استفاده بهینه را ببرد .

ما علناً شاهد رقابت های منفی این گروه ها هستیم و حال آنکه همیشه در آجندا و صدر سخنان لیدرها (رهبران) این گروه ها خدمت به جامعه ای فقیر و بی بضاعت ماست، اما برعکس؛ هرکس به تیم خود عقد خدمت را بسته است جز تیم خود سلام دیگران علیک نمیشود. چرا افراد که گروه یا تیم ندارد ولی با لیاقت و استعداد نیرومند وارد یک عرصه میشود، اما چنان از آن دیگر نیست؟! اگر شما هدف ، مقصد و مرام تان خدمت است باید رقابت سالم داشته باشید و برای کسانی که واقعا لیاقت خدمت را دارند هم نوبت دهید تا کسانی که در جامعه ما فقیرانه و مستمندانه زندگی میکنند هم موقیف خود را بیابند و باور کند که ماقدر غریب هم میتوانیم قدم به قدم پیش برویم و جایگاهی به وسیله لیاقت خود پیدا کنیم، تا چه وقت میخواهید انسانهای با استعداد و با لیاقت که میخواهد مستقل باشد وزیر بار ذلت و خاری نرود زیر پاشنه ای آهین خود ها زیر وزیر میکنند؟ شما اگر تیم های حمایت کننده هستید آنها را که مستعد هست مارک نزنید و فقط بخاطر رضای خدواند و وجدان خود تان حمایت کنید.

اهمیت تنفس در کسب آرامش روحی و جسمی

علیرضا "اشراق" عباسی



تنفس مساله ی بسیار حساسی است، عوامل زیادی باعث می شود که نتوانیم به درستی تنفس کنیم؛ مانند آلودگی هوا، استرس های روزانه، اتفاقات و حوادث،

مشکلات عاطفی، اضطراب و غیره. اگر ندانید چگونه تنفس طبیعی انجام دهید، احساس خستگی می کنید و روحیه تان خراب می شود. اما چنانچه تمرین های تنفس کامل را انجام دهید و بتوانید شیوه ی تنفس خود را اصلاح کنید، حتی در موقعیت های تنش زا نیز می توانید به احساس خوبی برسید یا حداقل تنش ها را بهتر مهار و کنترل کنید. تنفس کامل و مناسب پدیده ای غیر طبیعی نیست بلکه روشی است که با نهاد و طبیعت بدن ما سازگاری دارد. تنفس کامل روشی است که نوزادان در نواحی شهری و نیز بزرگسالان در نواحی دور از هیاهوی شهر به طور طبیعی و عادی آن را انجام می دهند؛ اما انسان متمدن به روش های غیر طبیعی و غلط تنفس عادت کرده است. تنفس کشیدنی کامل، الزاماً به معنی پُر کردن ریه ها از هوا نیست، بلکه در این روش می توان هوای دمی و بازدمی را به دلخواه بین نواحی مختلف، ریه ها توزیع و تنظیم کرد. بهره گیری از روش تنفس مناسب، شما را در برابر ابتلا به عفونت های دستگاه تنفس و حتی سرماخوردگی های معمولی مصون می کند و مقاومت بدن را در برابر بیماری ها بالا می برد. از طرفی کارایی و کیفیت خون به میزان اکسیژن موجود در آن بستگی دارد. اگر در اثر تنفس نادرست اکسیژن کافی در اختیار خون قرار نگیرد، مواد سمی ناشی از سوخت و ساز بدن در آن انباشته می شود. همان گونه که می دانید تمام حشرات بدن انسان برای دریافت مواد مورد نیاز خود به خون وابسته اند و باقی ماندن مواد سمی در خون، تمام بدن را تحت تاثیر قرار می دهد، از این جهت تنفس کامل در پاک سازی کلی بدن، نقش مهمی دارد. حتی دستگاه هاضمه نیز از بخش هایی است که در اثر تنفس نادرست آسیب می بیند؛ زیرا فرآیند هضم و جذب مواد غذایی

به اکسیژن نیاز دارد. دستگاه عصبی شامل مغز و نخاع و رشته های عصبی، از بخش های مهم تری هستند که در اثر تنفس نادرست و محرومیت از اکسیژن آسیب می بینند. حتی منقبض می شود و به کبد، معده و سایر احشای شکمی عملکرد جنسی انسان نیز به کارکرد صحیح سیستم اعصاب پاراسمپاتیک وابسته است و ناتوانی جنسی نیز می تواند یکی از پیامدهای عادت کردن به روش های نادرست تنفس باشد. هنگام دم کامل، دیافراگم فشار ملایمی وارد می کند و در واقع به نوعی آن ها را ماساژ می دهد که با بهبود گردش خون اعضای هضمی، به نوبه ی خود در سلامت کارکرد این اعضا موثر است. به عبارت دیگر، با تنفس کامل دیافراگمی می توان اعضای شکمی را به نوعی ورزش داد. **تنفس سالم:** اغلب افراد به هنگام تنفس کردن مرتکب سه اشتباه می شوند، که عبارت هستند از: **تنفس کم عمق، تنفس بیش از اندازه سریع و تنفس برجسته.** بنابراین ساده ترین راه حل این است که آرام تر، عمیق تر و درست تر نفس بکشیم. بهترین راه برای اطلاع از تنفس صحیح، نگاه کردن به تنفس نوزادان و کودکان است. بچه ها وقتی نفس می کشند، به هنگام عمل دم شکم شان بالا می آید و گرد می شود. عضلات شکم کودک نرم است؛ به طوری که هوا می تواند به راحتی به عمق ریه های او برسد. وقتی تنفس کردن ناسالم بزرگسالان را تماشا می کنید، درست عکس این حالت است. به همین دلیل است که آن را تنفس برجسته می نامند. اغلب بزرگسالان هنگام دم شکم شان را سفت می کنند و در این حالت تنفس، شکم مانع پُر شدن ریه ها از هوا می شود. حتی بازدم شان را ناقص انجام می دهند که همه این ها به خاطر استفاده برجسته از عضلات دیافراگمی است. **عمل دم:** در شروع عمل دم، شکم در حالت آرامش قرار می گیرد. این کار دیافراگم را صاف می کند قبل از حرکت سینه، شکم قدری بزرگ و منبسط می شود و فضایی را فراهم می سازد تا هوا، بخش های تحتانی ریه های شما را پُر کند. عمل دم در میانه ی راه خود، عضلات سینه را منبسط می کند و در نتیجه قفسه سینه بزرگ می شود قفسه سینه به سمت بالا حرکت می کند، زیرا هوا بخش میانی ریه ها را پُر می کند. در بخش اوج عمل دم، استخوان ترقوه به سمت بالا حرکت می کند و شانه ها حالت آرام به خود می گیرند و کمی عقب می روند. هوا بخش های فوقانی ریه ها را پُر می کند. **عمل بازدم:** در شروع عمل بازدم، استخوان های ترقوه پایین می افتند و شانه ها کمی به سمت جلو متمایل می شود. در میانه ی بازدم عضلات سینه به حالت آرام قرار گرفته و قفسه ی سینه به سمت پایین حرکت می کند و در هر سه بُد باریکی می شود. البته هرگز توصیه نمی شود به هنگام تنفس به جزییات تا این اندازه توجه کنید؛ با این حال چند دقیقه ای دقت به تنفس و جزییات آن مفید است.

معارف راه پیشرفت جامعه

حلیمه "احمدی"

معارف خانه ای است که دیوار های استوار و بلند آنرا استعداد های نهفته در روح والای انسانهای هدفمند در جامعه تشکیل میدهد، با داشتن ویا با بوجود آوردن یک سیستم معارف فعال واز همه جانب مستعد میتوان یک نسل موفق داشت که هم بتواند نیاز های دینی وهم نیاز های مادی را در یک جامعه پاسخگو باشد، معارف راهیست که هستی یک جامعه از آن پایه گذاری میشود، ساختار معنوی یک جامعه از آن نشات میگیرد وانسانیت را بمعنی میرساند، پس معارف اساس یک جامعه را واساس وپیناد فرهنگ یک جامعه را میتوان سازد ، راه دروست را در میان خلفای خداوند در روی زمین بوجود بیاورد تا از همان راه دروست به خدا نزدیک شود، زور سالاری ، خود کامگی و خود خواهی که اعمال نا شایسته وبدور از انسان وبدور از هدف خلقت انسان در روی زمین است را ازبین میبرد ، جامعه را از جهالت درونی شان رهای داده وبه منطق خدایی میرساند که این در تاریخ بشر بارها به اثبات رسیده است. بوده اند کسانی که در اوج انسانیت رسیده اند وبندگان واقعی در روی زمین قرار گرفته اند که همانا معارف واستفاده نیک از آن بوده است، ولی امروز معارف به کدام سطحی قراردرد که بتواند پاسخگوی این موضوعات باشد وبتواند آتمهای را تربیه کند که واقعا به منطق خدای برسد؟ میتوان با ادعای سریع گفت که معارف ما همان معارف عقب مانده ای است که نمیتواند برای تحصیل شاگردو فرزندان این وطن کاری بکند ونیاز مندی های شاگردان را طوریکه بتواند با خاطر آرام وهدف صادق به تعلیم وتربیه ای شان ادامه بدهند وکسانی برای فردای بهتر جامعه شوند فراهم نمایند، خیلی خوب است که توجهی برای تعلیم وتربیه ای فرزندان این مملکت نمائیم وبرای

تاکید اسلام بر زندگی اجتماعی انسانها

پاسین حسینی

است تعلیم وتربیت اسلامی متعلمینش را باید چنان بسازد که معتقد باشند که دین اسلام علیرغم دشمنی های مستمر ومداوم حساب شده دشمنانش، صلاحیت خود را در رهبری بشر به سوی سعادت ویک زندگی پاکیزه به ثبوت رسانیده است. وریشی که دارای چنین صلاحیتی است قابل انطباق بر زندگی انسان ها است و هر گز از عهده دار شدن سرپرستی امور دنیوی عاجز نیست. برای تعلیم وتربیت اسلامی باید در میان مسلمانان این اعتقاد را پرورش دهد که وعده ای



اسلام در تربیت افراد نوع انسان ورهنمای او به سوی سعادت حقیقی، رابطه واقعی فرد واجتماعرا در نظر



میکگیرد. اسلام بیش از همه ادیان وملا به اجتماع اهمیت داده است ومهمترین دستورات دینی خود از قبیل حج، نماز وجهاد وانفاق وهرگونه تقوای دینی را بر اساس اجتماع بنیان نهاده است. ضامن اجرای احکام اجتماعی علاوه بر سازمان حکومتی اسلام - که موظف به حفظ شعائر عمومی دین وحدود آنها است. وهدف عالی اجتماع اسلامی در رساندن انسان به سعادت حقیقی وقرب ومنزلت پیدا نمودن وی نزد خدا

دل بی قرار

نروم بغیر رویت به سراغ یار دیگر
ز خرام خویش کم کن دل شیشه گون شکستی
بجز اهل دل کی داند که چه رمز عشق باشد؟
شبی خـود شنیده بودم ز زبان ماه تابی
که چرا تو رسم این شهر و دیار کردی باور؟
اگر ت نبود پای که پری ز جوی آنسو
دهدت بشارت آن دم که زمان هجر طی شد
تو اگر نبندی دل را به هوای دودی شهر

که نباختم بجز این شبی را قمار دیگر
که تو هم به مثل این دل نکنی شکار دیگر
به میان ماه تاب و شب تار ، تار دیگر
که حدیث خال میگفت ز رخ نگار دیگر
تو نبی ز اهل این جا ، توی از دیار دیگر
دمی صبر کن که آید سحر ت سوار دیگر
رسد از پی ات جهان نوو لاله زار دیگر
طبد از برایت آنجا، دل بقرار دیگر

صاحب امتیاز: بنیاد علمی، فرهنگی واجتماعی تصاعد

سردبیر: سید علی آقا "مشفق" ۰۷۷۳۲۰۳۴۰۴

معاون سردبیر: باقر "مبلغ پور"

مدیر مسئول: محمد علی فائق(واحدی) ۰۷۷۷۷۹۵۷۰۷ E-mail: malifaeiq27@gmail.com weblog: m.alifaeiq.wordpress.com

هیئت تحریر: نثار احمد "پژوهش"، محسن "نیکزاد" سید بشیر عطائی، محمد امیر "رفعت" حلیمه "احمدی" محمد علی "رامش" سید هادی "سعادت" حبیبه "سادات" علیرضا "اشراق" عباسی "ابراهیمی" و آمنه انوری

ویرایش: حسینه "نوید"

مسئول توزیع: عسکر "صالحی" ۰۷۷۸۱۸۵۵۰۰ / ۰۷۹۷۴۴۲۰۱۷

آدرس: ولسوالی لعل وسرجنگل - مرکز لعل - روبروی مزار شهید سجادی (ع) بنیاد علمی، فرهنگی واجتماعی تصاعد.

Weblog: tassaud.wordpress.com E-mail: m.tassaud@gmail.com